



وجوب و استحباب زکات اموال در اندیشه فقها

مهدی فلاح^۱

چکیده

یکی از منابع مالی در حکومت اسلامی زکات است؛ نظام اسلامی برای اداره جامعه و انجام مسؤولیت‌های سنگین خود و از بین بردن فقر اقتصادی، پرداخت زکات را در کنار سایر واجبات مالی مانند جزیه، خراج، نذورات، خمس و... لازم می‌داند. بررسی آراء فقهای شیعه و سنی حاکی از آن است که مشهور فقهای شیعه موارد وجوب را منحصر در نه مورد معروف می‌دانند و اکثریت اهل سنت بر خلاف نظر شیعه، قول به گسترش موارد وجوب زکات را پذیرفته‌اند و در کلیه مواردی که مشهور شیعه قائل به استحباب زکات است، به وجوب پرداخت زکات معتقدند. البته برخی از فقهای اهل سنت همانند مشهور شیعه، در غیر از موارد نه گانه قائل به استحباب هستند. در میان فقهای شیعه، ابن بابویه و فرزندش شیخ صدوق در مال التجاره هم زکات را واجب می‌دانند؛ ابن جنید در سایر حیوانات غیر از غلات اربعه نیز زکات را واجب می‌داند. با توجه به این که نیازهای جامعه فراتر از موارد منحصر در نه مورد مشهور است و نسبت به این موارد نیز فی‌الجمله در اکثر اشخاص ثروتمند شرایط لازم وجود ندارد و در عمل، وجوب زکات در موارد نه گانه نسبت به اشخاص توانمند منتفی است، به نظر می‌رسد از باب تنقیح مناط می‌توان نتیجه گرفت که حکم موارد وجوب زکات بر محور نیاز جامعه متغیر بوده و حکومت اسلامی این اختیار را

۱- استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی



دارد که در هر زمان و مکان نیازها را در نظر گرفته و حسب مورد، موارد وجوب زکات را تغییر داده و یا گسترش دهد.

کلید واژه ها: زکات، وجوب زکات، استحباب زکات، غلات اربعه، انعام ثلاثه، مال التجاره

مقدمه

بدیهی است که حکومت اسلامی برای اداره جامعه و انجام مسؤولیت نیاز به پشتوانه‌ی مالی دارد؛ در منابع فقهی و حقوقی اسلام، منابع مالی فراوانی وجود دارد که تحت عنوان کلی «واجبات مالی اسلام» از آن یاد می‌شود مانند جزیه، خراج، فیه، نذورات، خمس، انفال (اراضی موات، اراضی آباد طبیعی، معادن، جنگلهای طبیعی، بیشه ها، نزارها، دریاها، آبهای معدنی و زیرزمینی، رودخانه‌های بزرگ، اموال مجهول المالک). یکی از منابع مهم مالی حکومت اسلامی زکات است؛ این نوشتار به منظور تعیین چگونگی وجوب و تعیین موارد وجوب و استحباب زکات به رشته تحریر در آمده است. بر این اساس پرسش‌های آن عبارت است از:

- ۱- موارد وجوب زکات کدام است؟
- ۲- زکات در چه مواردی مستحب است؟
- ۳- آیا اساسا موارد وجوب زکات انحصاری است یا در اختیار حکومت اسلامی است؟

مفهوم زکات

زکات در لغت به دو معنا آمده است:

- ۱- نمو و زیاد شدن؛ این معنا در قرآن نیز آمده است. آنجا که می‌فرماید: «ذلکم ازکی لکم و اطهر یعنی آنچه که ذکر شد برای شما زیاد شونده تر و پاک‌تر است» (بقره، ۲۳۲).
- ۲- طهارت و پاک شدن؛ در قرآن آمده است: «اقتلت نفسا زکیه. آیا نفس پاک را کشتی؟» (کهف، ۷۴).

در اصطلاح شرع، زکات سهمی از مال است که خدای تعالی از اموال ثروتمندان برای فقرا و کارهای خیر معین کرده است؛ این معنا با هر دو معنای لغوی مذکور فی‌الجمله هماهنگ است. صاحب مال با خارج ساختن سهم معینی از مال خود باعث می‌شود خداوند متعال خیر و برکتی در اموال او قرار دهد و بدین‌وسیله هم در این دنیا باعث فزونی اموال



می‌شود و در آخرت هم باعث افزایش کارهای نیک می‌گردد و پاداش او فزون یافته و افزایش می‌یابد (مناسب با معنای اول لغوی) و می‌توان گفت زکات و پرداخت آن، اموال را از آلودگی معنوی پاک نموده، و باعث طهارت و پاکیزگی اموال دارنده آن می‌شود.

در حاشیه شرح لمعه آمده است: «والزکاة الشرعية یجوز کونها ماخوذة من معنی النماء و الازدیاد و یجوز کونها ماخوذة من معنی التطهیر و الاصلاح» (شرح لمعه، ۲، ۱۱) یعنی زکات در اصطلاح شرعی، هم جایز است از معنای نمو و زیاد شدن گرفته شود و هم ممکن است از مفهوم طهارت و پاک شدن اخذ گردد.

اموالی که به مردم می‌رسد چه بسا ظلم و دزدی، خیانت، اسراف، تبذیر و مانند آنها در سوانح واقع شود و چه بسا آلودگی‌های باطنی در آن اموال ایجاد می‌گردد؛ خداوند متعال با حکمت بالغه‌اش زکات را تشریح و قانونگذاری فرمود تا از رهگذر پرداخت زکات آلودگی‌های معنوی را از اموال مردم بردارد و ضمن تأمین نیاز فقرا و مایحتاج نیازمندان، اموال دارندگان مال و ثروتمندان را پاک و پاکیزه نماید و شاید سر حرمت زکات بر سادات بنی هاشم همین باشد. چون مقامشان بالا است، خداوند نمی‌خواهد این گونه اموال که آلودگی معنوی دارند به دست اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و سادات بنی الزهرا سلام الله علیها قرار گیرد و در مقابل نیمی از خمس به آنان اختصاص دارد. در حاشیه یاد شده اضافه می‌کند که:

«فان المزکی ماله قدانماه باخراج الزکاة الی الفقراء نظرا الی ما تستجلیه الزکاة من الخیر والبرکة فی المال و کذا قد طهره من ادناسه و اوساخه» (همان) یعنی شخصی که می‌خواهد اموالش افزایش پیدا کند با پرداخت زکات به فقرا در پی آنست خداوند خیر و برکت و فزونی در مال او قرار دهد و همین طور اموال او را از کثافات و چرکها پاک نماید. بنابراین زکات و پرداخت آن، اموال را پاک می‌نماید و یا این که قلوب مردم را از اخلاق زشت که همان، ترک تعامل با توده مردم است را میراً می‌سازد و آنها را مزین به نیکی‌ها و ارزشهای مثبت می‌نماید.

بعضی از فقها نیز مفهوم لغوی و اصطلاحی یاد شده را قبل از طرح مباحث اصلی آورده‌اند به عنوان نمونه عبارت فخر المحققین (۷۷۰ق) به شرح ذیل است:

«اقول الزکاة هی لغة النمو والطهارة و شرعا صدقة راجحة مقدره باصل الشرع»

(ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۱۶۷).



ایشان هم به دو معنای لغوی اشاره می‌نماید (نمو و طهارت) و هم تعریف شرعی زکات را می‌آورد و همین طور در ذیل تعریف کوتاه مورد اشاره انواع زکات (زکات اموال و زکات ابدان یا فطره) را یاد آوری می‌نماید. در یکی از فرهنگ‌های اصطلاحات فقهی معاصر نیز در عبارت کوتاه ذیل به هر دو معنای لغوی و اصطلاحی تصریح شده است: «الزکاة زکی الزرع کنصر وعلم فی اللغة نهی و طهر، والزکاة صفوة الشی و ما تخرجه من مالک و فی مجمع البحرین هی اما مصدر زکی اذا نهی لانها تستجلب البرکة فی المال وتنمیة و اما مصدر زکی اذا طهر لانها تطهر المال من الخبث والنفس البخیلة من البخل انتهى» (مصطلحات الفقه، ۲۸۰).

در روایات هم هنگامی که حکمت تشریح زکات را بیان می‌نماید مطالب ارزشمندی وجود دارد که مشعر به مفاهیم یاد شده است. امام موسی بن جعفر^(ع) می‌فرماید: «انما وضعت الزکاة قوتا للفقراء وتوفیرا لاموالهم» (وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۴ از ابواب ما تحب فيه الزکاة، ح ۴) و یا می‌فرماید: (همان، ح ۵) «حصنوا اموالکم بالزکاة» و یا امام صادق^(ع) می‌فرماید:

«انما وضعت الزکاة اختبارا للاغنیاء ومعونة للفقراء ولو ان الناس ادوا زکاة اموالهم ما بقی مسلم فقیر محتاجا ولا ستغنی بما فرض الله له وان الناس ما افتقروا ولا احتاجوا ولا جاعوا ولا عروا الا بذنوب الاغنیاء وحقیق علی الله تبارک و تعالی ان یمنع رحمته ممن منع حق الله فی ماله و اقسام بالذی خلق الخلق و بسط الرزق انه ماضع مال فی بر ولا یحر الا بترك الزکاة وما صید صید فی بر ولا یحر الا بترك التسبیح فی ذلك الیوم وان احب الناس الی الله تعالی اسخا هم کفا واسخی الناس من ادى زکاة ماله ولم ینخل علی المؤمنین بما افترض الله لهم فی ماله.» (همان، ح ۶).

مضمون سخنان امام مذکور آن است که زکات جهت تأمین نیاز فقرا و رفع مایحتاج آنان تشریح گردیده است و به ثروتمندان دستور می‌دهند که با پرداخت زکات، اموالشان را مراقبت نمایند؛ خلاصه این که حکمت تشریح زکات دو چیز است:

۱- آزمایش ثروتمندان



۲- کمک به فقیران. امام رضا^(ع) هم در جواب سؤالی که از آن حضرت در خصوص علت زکات می‌شود، می‌فرمایند:

«ان علة الزكاة من اجل قوت الفقراء وتحصين اموال الاغنياء لان الله عز وجل كلف اهل الصحة القيام بشان اهل الزمانة والبلوى كما قال الله تبارك وتعالى: «لتبيلون في اموالكم وانفسكم في اموالكم اخراج الزكاة وفي انفسكم توطين الانفس على الصبر مع ما في ذلك من اداء الشكر نعم الله عزوجل والطمع في الزيادة مع ما فيه من الزيادة والرأفة والرحمة لاهل الضعف والعطف على المسكنة والحث لهم على المواساة وتقوية الفقراء والمعونة لهم على امرالدين وموعظة لاهل الغنى وعبرة لهم ليستدلوا على فقرا الاخرة بهم ومالهم من الحث في ذلك على الشكر لله تبارك وتعالى لما خولهم واعطاهم والدعاء والتضرع والخوف من ان يصيروا مثلهم في امور كثيرة في اداء الزكاة والصدقات و صلة الارحام و اصطناع المعروف» (همان، ح. ۷).

همان طور که ملاحظه می‌شود علاوه بر اشعار به دوعلت یاد شده، در روایت فوق بر ترغیب ثروتمندان به پرداخت زکات و سایر واجبات مالی و صله ارحام در کنار دعا و راز و نیاز تاکید شده است.

مضمون سخن راغب در مفردات پیرامون مفهوم زکات را می‌توان این گونه بیان کرد: اصل کلمه زکات به معنای رشد و نمو است که از برکت الهی در امور دنیوی و اخروی حاصل می‌شود و معنای دیگر آن پاکی است. اطلاق کلمه زکات به آن سهم الهی که انسان مؤمن از مال خود خارج کرده و به فقرا می‌دهد از این جهت است که در پرداخت آن امید رشد و افزایش مال همراه با خیرات و برکات است یا موجب تزکیه روح پرداخت کننده می‌شود و یا از هر دو جهت است؛ زیرا هر دو فایده در پرداخت زکات وجود دارد (مفردات الفاظ قرآن، واژه زکات).

شهید ثانی (۵۹۶۶ هـ) می‌گوید: «اغنيا با دادن زکات از صفات زشتی مانند حرص و بخل پاک می‌گردند و اموالشان نیز با خیر و برکت دنیوی و اخروی رشد و نمو خواهد کرد (مسالك...، ۱، ۵۰).

درسرخن موزون زیر از سعدی (۶۹۱ ق.) به یکی از دو مفهوم لغوی واژه زکات اشاره شده است:

زکات مال به در کن که فضله رز را چو باغبان ببرد بیشتر دهد انگور



(کلیات سعدی، ص ۱۸۷).

خاقانی (ق. ۵۹۵) نیز چنین سروده است:

زندگی چو مال میراث است که نبینی بقاش را برکات
پس زطاعت بده زکاتش از آنک برکات است مال را به زکات

(دیوان خاقانی، ۸۴۷).

بنابر این با توجه به آیات قرآن و متون فقهی و روایات منقول از معصومین^(ع) و کتب لغت و متون ادبی می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم اصطلاحی زکات با معانی لغوی آن هماهنگی کامل دارد و علت تشریح زکات از ناحیه شارع مقدس کمک به فقرا و از بین بردن فقر اجتماعی و در کنار آن ترغیب ثروتمندان جهت تعامل با توده مردم و رسیدن به کمال و ادای شکر الهی می‌باشد.

موارد وجوب زکات از منظر فقهای شیعه

آنچه که در میان فقهای شیعه وسنی شهرت دارد زکات بر نه مورد واجب است: غلات اربعه شامل گندم، جو، خرما و کشمش، انعام ثلاثه که عبارتند از: گاو، گوسفند، شتر و نقدین یعنی طلا و نقره.

پرداخت زکات در غلات اربعه هنگامی واجب می‌شود که شرایط وجوب، نظیر خشک شدن و به حد نصاب لازم رسیدن در آنها محقق گردد که برحسب نوع آبیاری آن، عشر یا نیمی از عشر حسب مورد به عنوان زکات پرداخت می‌گردد. صاحبان محصولات یاد شده پس از جمع آوری محصول و کسر هزینه‌ها باید به میزان مشخص شده، حسب مورد به حکومت اسلامی بپردازند. میزان اخراج زکات در غلات اربعه، بسته به نوع آبیاری دارد چنانچه با آب باران و امثال آن آبیاری شده باشد یک دهم آن پس از کسر هزینه‌ها به عنوان زکات پرداخت می‌شود و چنانچه با هزینه کشاورز یا صاحب محصول باشد، یک بیستم آن به عنوان زکات پرداخت می‌گردد؛ به عنوان نمونه سخن شهید اول (ق. ۷۸۶) را ملاحظه می‌کنیم: «و المخرج العشران سقی سیحا او بعلا و عذیا و نصف العشر بغيره ولو سقی بهما فالأغلب و مع التساوی ثلاثة ارباع العشر» (لمعه، ۴۲).

مضمون آن این است که: آنچه به عنوان زکات باید خارج شود، ده یک است. اگر زراعت با آب جاری آبیاری شود یا ریشه گیاه از رطوبت زمین استفاده کند یا از آب باران مشروب شود، ده یک آن باید خارج شود، در غیر این موارد، یک بیستم است و اگر زراعت

به هر دو وسیله آبیاری گردد، آنچه غالب‌تر است معتبر می‌باشد و در صورت برابر بودن، زکات آن سه ربع عشر یعنی سه چهلم است.

در هر کدام از انعام ثلاثه نصاب به طور جداگانه مطرح است. شتر دارای دوازده نصاب، گاو دو نصاب و گوسفند پنج نصاب دارد. البته غیر از رسیدن به نصاب شرایط دیگر هم لازم است، مانند این که بیابان‌چر باشند (سائمه بودن)، به کار گرفته نشده باشند و همه ساله رها بوده باشند و بالاخره در تمام سال در ملکیت مالک بوده باشند. با اجتماع شرایط یاد شده و به میزان مشخص که در کتب فقهی آمده است، زکات پرداخت می‌گردد. شهید ثانی (۹۶۶ق) در رابطه با شرایط تحقق زکات واجب در انعام سه گانه چهار شرط را به ترتیب می‌آورد که عبارتند از:

- ۱- رسیدن به حد نصاب
 - ۲- بیابان‌چر بودن (سائمه).
 - ۳- گذشتن یک سال برآنان (الحول).
 - ۴- کاری نباشند (الاتکون عوامل، فانه لیس فی العوامل زکاة ولو کانت سائمة)
- (مسالك، همان، ۳۷۳).

در نقدین اگر طلا باشد دو نصاب دارد:

- ۱- نصاب اول: رسیدن به بیست مثقال
 - ۲- نصاب دوم: چهار مثقال افزون بر نصاب اول؛
- و در نقره نیز دو نصاب به شرح ذیل است:

- ۱- نصاب اول: صد و پنج مثقال
- ۲- نصاب دوم: افزون بر نصاب اول بیست و یک مثقال

در صورت تحقق سایر شرایط، نظیر مسکوک بودن و گذشت یک سال و مالک بودن صاحب آن در طول مدت یاد شده، صاحب آن باید بپردازد.

محقق (۶۷۶ق) به تمامی موارد مربوط به احکام و شرایط طلا و نقره در عبارت زیر تصریح نموده است:

«ولا تجب الزکاة فی الذهب حتی يبلغ عشرين و دینارا ففیه عشرة قراریط ثم لیس فی الزائد شیء حتی يبلغ أربعة دنانیر ففیها قیراطان و لا زکاة فیما دون عشرين مثقالا و لا فیما دون أربعة دنانیر ثم كلما زاد المال أربعة ففیها قیراطان بالغاً ما بلغ... و لا زکاة فی الفضة حتی تبلغ ماتی درهم ففیها خمسة





دراهم ثم كلما زادت اربعين كان فيها درهم وليس فيما نقص عن الأربعين

زكاة كما ليس فيما نقص عن الماتين شيء» (شرايع الاسلام، ۱، ۱۱۴).

مضمون مطلب این که زکات در طلا واجب نیست مگر این که به بیست دینار برسد که در آن ده قیراط زکات واجب است تا این که به آن مقدار، چهاردینار هم اضافه گردد که دو قیراط زکات دارد؛ سپس در هر چهار دینار که اضافه می‌شود دو قیراط زکات دارد و نصاب نقره هم دویست درهم و سپس چهل درهم است که در هر کدام یک چهلم به عنوان زکات خارج می‌گردد.

همان، طور که اشاره شد در نقدین باید شرایط وجوب محقق شود؛ در غیر این صورت زکات در آنها واجب نیست. سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) چند شرط را در نقدین بیان می‌کند. فهرست این شرایط عبارت است از:

۱- رسیدن به حد نصاب

۲- سکه رایج باشند (ان یكونا مسکوکین بسکة المعاملة).

۳- گذشت یک سال (مضى الحول) (کتاب الزکاة، ص ۲۸۱).

در موارد نه گانه یاد شده وجوب زکات نزد فقهای شیعه و اهل سنت مسلم است و اختلافی در ناحیه حداقلی وجود ندارد و اگر هم اختلافی باشد در ناحیه حداکثری است که در جای خود به اقوال مختلف فقها می‌پردازیم.

بررسی اقوال فقهای شیعه در خصوص موارد وجوب زکات

شیخ مفید (۴۱۳ق) پس از ذکر اهمیت زکات و این که اعتقاد به وجوب آن از ضروریات دین محسوب می‌شود، به موارد نه گانه زکات اموال تاکید می‌نماید و هر کدام را به صورت گسترده مورد بررسی قرار می‌دهد (مقننه، ۲۳۴) سید مرتضی (۴۳۶ق) نیز به موارد نه گانه یاد شده به صورت تفصیلی تصریح می‌نماید (ناصریات، ۲۷۴) شیخ طوسی (۴۶۰ق) ابتدا زکات را به دو قسم مفروض (واجب) و مسنون (مستحب) تقسیم می‌نماید و هر کدام از دو قسم یاد شده را تحت عناوین زکات اموال و زکات رؤوس، مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهد (نهایه، ۱۷۳).

و در نهایت در بابی تحت عنوان «باب ما تجب فیہ الزکاة» ضمن آوردن موارد مستحبی در زکات به موارد نه گانه یاد شده اشاره می‌نماید (همان، ۱۷۵) و در ادامه پس از این که تمامی اقسام واجب را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد می‌نویسد: «وکل ما



عدا هذه التسعة أشياء فانه لا تجب فيه الزكاة...» (همان).

ابوالصلاح حلبی (ق.۴۴۷) مبحث زکات را در ضمن سایر مباحث مالی تحت عنوان «فی بیان حقوق الاموال» می‌آورد (الكافی فی الفقه، ۱۶۴) و به دنبال آن کلیه حقوق مالی را نام می‌برد: «حقوق الاموال تسعة: الزكاة والفطرة والخمس و الانفال و فی

سبیل الله و النذور و الکفارات و صلة الارحام و بر الاخوان و لكل حکم»

نامبرده موارد نه گانه زکات را تحت عناوین: الاموال، الحرث و الانعام بیان می‌نماید. منظور ایشان از اموال، طلا و نقره است و حرث همان، محصولات کشاورزی چهارگانه معروف می‌باشد و انعام مشعر به دامهای سه گانه مورد نظراست (همان، ۱۶۵).

سلار بن عبدالعزیز (ق.۴۴۸) در ابتدای بحث زکات از دو قسم زکات واجب و مستحب نام برده و می‌نویسد (الزكاة علی ضربین: واجب و نذب، قال: واجب علی ضربین: زكاة الاموال و زكاة الابدان...» (المراسم...، ۱۲۵).

شیخ طوسی (ق.۴۶۰) علاوه بر آنچه که گذشت در مبسوط اهم موارد نه گانه زکات را مورد بررسی قرار داده و احکام و شرایط آنها را مورد بررسی و دقت نظر قرار می‌دهد و بر این باور است که غیر از نه مورد یاد شده، زکات واجب نیست (مبسوط، ۱، ۲۲۰).

ابن براج هم، زکات را تحت عنوان حقوق اموال آورده و می‌نویسد: «حقوق الاموال التي ذكرنا في اول الكتاب أنها من العبادات يحتاج في بيان احكامها إلى أشياء و هي: الزكاة و الخمس و احكام الارضين و الجزية و الغنایم و الانفال...» (المهذب، ۱، ۱۵۷).

مشارالیه ضمن بیان احکام و شرایط زکات اموال، موارد نه گانه مشهور را به صورت گسترده بیان می‌کند (همان، ۱۶۸) ابن حمزه (ق.۵۶۰) نیز به موارد نه گانه تصریح می‌نماید (الوسيلة...، ۱۲۲) ابن زهره (ق.۵۸۵) از جمله فقهای قرن ششم هجری همانند خیلی از معاصرین خود به موارد فوق تصریح نموده و زکات را به دو قسم مفروض و مسنون تقسیم می‌نماید (غنیة، ۱۱۵).

ابن ادریس (ق.۵۹۸) بعد از ذکر موارد زکات واجب مالی و تعیین اقسام تسعه معروف ضمن پرداختن به احکام و شرایط هر کدام از آنها، موارد مستحبی را مورد بررسی قرار می‌دهد (سرائر، ۱، ۴۳۴). محقق حلی (ق.۶۷۶) هم از جمله فقهایی است که ضمن آوردن موارد زکات واجب مالی و زکات فطره (تحت عنوان زکات رؤوس) و اشاره به اقسام نه گانه،



موارد استجابی را هم به صورت تفصیلی بررسی نموده و بیان می‌کند (شرایع، ۱، ۱۰۷). یحیی بن سعید حلی (۶۸۹ق) در ابتدای بحث زکات از نه مورد مشهور یاد می‌نماید و سپس به تفصیل مباحث مربوطه را مورد دقت نظر و بررسی قرار می‌دهد (الجامع للشرایع، ۱۲۵).

علی بن محمد قمی سبزواری از فقهای قرن هفتم نیز زکات را در دو محور واجب و مستحب بیان نموده و واجبات را در دو قلمرو اموال و رؤوس مطرح کرده و به موارد وجوبی یاد شده اشاره دارد (جامع الخلاف و الوفاق، ۱۳۸). علامه حلی (۷۲۶ق) در آثار متعدد خود به موارد نه گانه تصریح نموده و به طور مبسوط ضمن بیان احکام و شرایط هر کدام، آنها را مورد نقد و بررسی کامل قرار می‌دهد (تذکره الفقهاء، ۱، ۲۰۵؛ قواعد، ۱، ۲۳۹؛ مختلف، ۳ صص ۳۱۲، ۱۵۲).

این فقیه گران قدر هر کدام از مباحث مربوط به زکات را به صورت دقیق مطرح کرده و اقوال مختلف فقهای شیعه را به صورت روشن مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و ادله و مبانی قول صحیح را به اثبات می‌نشانند (مختلف، همان).

فخر المحققین (۷۷۰ق) در مقصد دوم، بحث زکات را بدون هرگونه تردیدی با عبارت حصریه می‌نویسد: «انما تجب الزکاة فی تسعة اجناس: الابل، والبقر والغنم والحنطة والشعیر والتمر والزبيب والذهب والفضة» و سپس احکام و شرایط هر کدام از اقسام فوق را مورد بررسی و امعان نظر قرار می‌دهد (ایضاح الفوائد، ۱، ۱۷۶).

شهید اول (۷۸۶ق) ابتدا ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی زکات، اقسام زکات واجب را بیان می‌کند (البیان، ۱۶۴). ایشان در اثر دیگرش تمامی موارد نه گانه را به تفصیل مورد تحقیق قرار داده و اقوال مختلف را بیان می‌نماید (دروس، ۱، ۲۳۷). مشارالیه در لمعه هم به صورت اختصار ابتدا موارد یاد شده را تحت عناوین جامع «فی الانعام الثلاثة و الغلات الاربع و النقدين» ذکر نموده و سپس احکام و شرایط آنها را بیان می‌کند (لمعه، ۴۱).

محقق کرکی (۹۴۰ق) نیز با ادات حصریه، موارد وجوب را در نه مورد منحصر می‌داند و صراحتاً آنها را نام برده و احکام و شرایط مربوط به هر کدام را بررسی می‌نماید (جامع المقاصد، ۳، ۱۴). شهید ثانی (۹۶۶ق) هم تمامی موارد اتفاقی فقها را به صورت مستدل مورد بررسی قرار داده و فی الجمله اقوال مختلف را مورد نقد و نظر قرار می‌دهد (شرح لمعه، ۲، ۱۶). ایشان در اثر دیگرش صراحتاً وجوب زکات در غیر موارد یاد شده را نفی نموده و می‌نویسد: «تجب الزکاة فی الانعام الثلاثة: الابل و البقر و الغنم و فی الذهب و الفضة و



الغلات الاربعه: الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و لا تجب فيما عدا ذلك» (مسالك الافهام، ۱، ۳۶۳).

محقق اردبیلی (۹۹۳ق) همانند شهید ثانی ضمن تصریح به اقسام نه گانه، وجوب زکات را از غیر آنها منتفی دانسته و می‌نویسد: «وهو تسعة لا غیر...» و به دنبال عبارت فوق موارد نه گانه را ذکر نموده و مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌نویسد: «القول بان ما يجب فيه الزكاة تسعة هو المشهور بين الأصحاب و كاد أن يكون اجماعاً بين المتأخرين بحيث لا يشيرون إلى الخلاف» (مجمع الفائده و البرهان، ۱، ۳۹).

شیخ بهایی (۱۰۳۱ق) که در واقع قدیمی‌ترین و تنها رساله فارسی عملیه مربوط به اوایل قرن یازدهم از ایشان در دسترس عموم قرار دارد، می‌نویسد: «بدانکه زکات در نه چیز واجب است؛ طلا، نقره، گندم، جو، خرما، مویز، شتر، گاو و گوسفند» و به دنبال آن احکام و شرایط آنها را بیان نموده و به موارد مستحبی زکات اموال می‌پردازد (جامع عباسی، ۹۷).

محقق سبزواری (۱۰۹۰ق) بعد از ذکر موارد نه گانه می‌نویسد: «و الا شهر الأقرب أنه لا زكاة فی غيرها خلافاً لا بن الجنید» (کفایة الاحکام، ۳۵) از این عبارت بر می‌آید که او در این باره با مشهور هم عقیده است و تنها مخالفت را به ابن جنید نسبت می‌دهد. فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) هم در بحث احکام و شرایط، موارد وجوب زکات در سه دسته غلات اربعه، نقدین و انعام ثلاثه را مورد بررسی قرار می‌دهد و هماهنگ با مشهور قول به انحصار را قبول دارد (التحفة السنیه، ۱۵۵).

از عبارت کاشف الغطا (۱۲۲۸ق) به خوبی نمایان است که وی نیز به طور مشخص و انحصاری وجوب زکات در غیر موارد نه گانه را قبول ندارد. در عبارت ایشان آمده است: «لا تجب إلا فی تسعة الاشياء؟ (کشف العطاء، ۲، ۳۴۷).

سید علی طباطبایی (۱۲۳۱ق) از فقهای اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری که به صاحب ریاض معروف است. ابتدا در بحث زکات این واژه را در لغت و اصطلاح تعریف نموده و ضمن بیان موارد نه گانه صراحتاً می‌نویسد: «و لا تجب فیما عداها» و حکم واجب در موارد نه گانه را اجماعی می‌داند (ریاض المسائل، ۵، ۵۲). میرزای قمی (۱۲۳۱ق) هم ضمن بیان موارد وجوب در نه مورد، دو دلیل را برای این



حکم بیان می‌نماید «باجماع العلم و الاخبار المستفیضة جدا» و به دنبال آن موارد مستحبی را می‌آورد (غنائم الایام، ۴، ۵۵).

نراقی (۱۲۴۵ق) از فقهایی است که با دقت و حوصله زیاد بحث زکات را مانند بسیاری از مباحث فقهی و حقوقی دیگر مورد تحقیق و نقد و بررسی قرار داده است. وی پس از ذکر موارد وجوب زکات در نه مورد می‌نویسد: «اما وجوب الزکاة فیها فباجماع المسلمین بل الضرورة من الدین و المتواتره من اخبار العترة الطاهرة...»

و به دنبال آن عدم وجوب در غیر موارد مشخص را به مشهور فقهای شیعه نسبت می‌دهد و ادعای اجماع در اقسام نه گانه مشهور را از منابعی مانند ناصریات، انتصار، خلاف و غنیة و منتهی و غیر آنها نقل می‌کند (مستند الشیعه، ۹، ۶۲).

صاحب جواهر (۱۲۶۶ق) که الحق می‌توان دقت نظر و حوصله وی را در عرصه تحقیق و پژوهش فقهی و حقوقی غیر قابل توصیف دانست، ضمن برشمردن موارد نه گانه وجوب زکات به صورت مستدل این باور را ضرورت فقهی می‌داند و روایات زیادی را در جهت استدلال بر این دیدگاه ذکر می‌نماید و انحصار وجوب زکات در موارد مشخص را اثبات کرده و قول مخالف را تضعیف می‌نماید (جواهر الکلام، ۱۵، ۶۵).

شیخ انصاری (۱۲۸۱ق) از محققین توانمندی است که در میدان تحقیقات فقهی همانند پژوهش‌های بی‌نظیرش در عرصه اصول فقه گوی سبقت را از همگان ربوده و آثار او هنوز بعد از گذشت قریب یک و نیم قرن به عنوان متون دروس عالی‌ه حوزه‌های علمیه، حرف اول را می‌زند؛ او در کتاب مستقلی بنام «الزکاة» این بحث را به صورت دامنه دار مورد تحقیق قرار داده است. وی در آغاز کتاب یاد شده تمامی موارد نه گانه را بدون تصریح و برخلاف معمول سایر فقها به صورت گسترده و مستدل مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد و سیاق عبارات و سیر بحث ایشان حاکی از آن است که او نیز همانند مشهور قائل به انحصار وجوب زکات اموال در موارد یاد شده است (الزکاة، ۱۲ و بعد از آن).

صاحب عروه (۱۳۳۷ق) صراحتاً بعد از ذکر موارد نه گانه می‌نویسد: «ولا تجب فیما عدا ذلك علی الاصح» و به دنبال آن موارد استحبابی زکات را در چهار مورد بیان می‌نماید (عروة الوثقی، ۴، ۲۸).

خوانساری (۱۴۰۵ق) از فقهای اواخر قرن چهاردهم همانند صاحب عروه وجوب زکات

در غیر موارد نه گانه را نفی کرده و به دنبال آن موارد استحباب زکات را به تفصیل می آورد (جامع المدارک ۲، ۱۲).

آیه الله خویی (۱۴۱۳ق) از محققین توانمند و کم نظیر مباحث فقهی و حقوقی دوران معاصر در کتاب مستقلى بنام الزکاة می نویسد: «تجب فی تسعة اشياء... و به دنبال ذکر موارد یاد شده می گوید: «ولا تجب فيما عدا ذلك على الاصح» و متعاقب آن موارد مستجبی زکات اموال را در چهار مورد می آورد (الزکاة، ۱۳۸) وی نیز همانند مشهور فقهای شیعه قائل به انحصار موارد وجوب زکات می باشد.

سید محمد صادق روحانی از فقهای معاصر، هم عقیده با مشهور در این مطلب می نویسد: «فیما تجب فيه الزکاة و هی تسعة اصناف لا غیر إما وجوبها فی التسعة فلا خلاف فيه فتوى و نصاب؛ بل هو من ضروریات الفقه إن لم یکن من ضروریات الدین و أما عدم وجوبها فی غيرها فهو المشهور بین الأصحاب شهرة عظيمة؛ و لم ینقل الخلاف فيه الا عن یونس و ابن الجنید» (فقه الصادق، ۷، ۸۵).

یکی از فقها و مدرسین حوزه علمیه قم در خصوص بحث یاد شده نظر ابن جنید را که برخلاف مشهور حصر در موارد نه گانه وجوب را قبول ندارد به شرح ذیل آورده است: «قال ابن الجنید توخذ الزکاة فی أرض العشر من کل ما دخل القفیز من حنطة و شعیر و سمس و ارز و دخن و ذرة و عدس و سلت و سائر الحبوب و من التمر و الزبيب» و به دنبال آن مستندات وی را از روایات ائمه (ع) از کتب روایی شیعه مانند وسایل الشیعه بیان می نماید (فتاوی ابن الجنید، ۹۵).

امام خمینی (۱۴۰۹ق) که ضمن توجه به مسائل مهم اجتماعی، سیاسی و رهبری جهان اسلام و پایه ریزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران و احیای اسلام ناب محمدی (ص) در جهان اسلام در عرصه تحقیق و پژوهش های فقهی و اصولی نیز همانند معاصرین خود در این میدان نظرات دقیقی دارد، ضمن برشمردن موارد انحصاری وجوب زکات، حکم وجوب را از سایر موارد نفی نموده و می نویسد: «ولا تجب فيما عدا هذه التسعة» و موارد استحبابی را بیان نموده و به دنبال آن احکام و شرایط هر کدام از موارد تسعه را به تفصیل می آورد (تحریر الوسیله، ۱، ۳۱۵).





شیخ صدوق (۴۱۳ق) نیز همانند ابن جنید برخلاف مشهور موارد وجوب انحصاری زکات در نه مورد را قبول ندارد و علاوه بر آنها زکات در مال التجارة را واجب می‌داند. علی بن موسی بن بابویه پدر صدوق نیز زکات در مال التجارة را افزون بر موارد نه گانه معروف واجب می‌داند (ایضاح الفوائد، ۱، ۱۸۴).

علامه مجلسی تصریح می‌نماید که بعضی از علما، علاوه بر موارد نه گانه در غیر آنها نیز قائل به وجوب به زکات هستند. البته خود او نیز، هم گام با مشهور تنها در نه مورد یاد شده وجوب زکات را قبول دارد (بیست و پنج رساله فارسی، ۳۴۷). به نظر می‌رسد منظور ایشان همان، ابن جنید باشد؛ زیرا در مرآة العقول به این نکته تصریح می‌نماید (مرآة العقول، ۱۶، ۲۱). علامه محمد تقی جعفری از علمای معاصر نیز وجوب زکات را منحصر در موارد یاد شده معروف نمی‌داند؛ ایشان بر این باورند که عموم و شمول حکم زکات، بسی بیشتر و دامنه دارتر است (منابع فقه، ۷۸). شهید آیه الله صدر هم می‌گوید: «زکات از نظر اسلام مخصوص مال مشخص نیست» (مجموعه آثار، ۳۳).

با توجه به آراء یاد شده و بررسی تفصیلی فقهای شیعه از صدر اسلام تاکنون می‌توان به طور خلاصه نتیجه گرفت که در میان فقهای شیعه در خصوص موارد وجوب زکات دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:

- ۱- مشهور فقهاء قائل به انحصار وجوب زکات در موارد نه گانه هستند و حکم وجوب را نسبت به سایر موارد منتفی می‌دانند و فی الجمله در آن موارد قائل به استحباب هستند.
- ۲- نظری که علاوه بر موارد نه گانه، وجوب زکات در سایر موارد را تعمیم داده و قائل به شمول وجوب موارد زکات است. در این میان، شیخ صدوق به همراه پدرش علی بن موسی بن بابویه به وجوب زکات در مال التجارة فتوا می‌دهند و ابن جنید نیز در سایر حیوانات و محصولات زمینی که کیلی هستند به وجوب زکات معتقد است و در میان علمای معاصر شهید صدر انحصار وجوب در موارد مشخص را قبول ندارد و علامه جعفری هم همانند وی عمومیت حکم وجوب زکات را فراگیرتر می‌داند.

بررسی اقوال فقهای اهل سنت در خصوص موارد وجوب زکات

هنگامی که آراء و دیدگاه‌های فقهای اهل سنت را در خصوص موارد وجوب زکات مورد ارزیابی و امعان نظر قرار می‌دهیم، اختلاف نظر و دودستگی یاد شده که در نظرات و آراء



فقهای شیعه گذشت، بیشتر نمایان می‌شود. می‌توان گفت مشهور فقهای اهل سنت قائل به گستردگی موارد وجوب زکات هستند و در مقابل هستند فقهایی که همانند مشهور فقهای شیعه، انحصار وجوب زکات در موارد نه گانه را قبول دارند. از باب نمونه افرادی مانند ابن سیرین، حسن بن صالح بن حی، ابن ابی لیلا و احمد بن حنبل (در یکی از دو دیدگاهش) در دسته دوم قرار دارند و قائل به انحصار وجوب زکات در موارد مشخص هستند. محقق (۶۷۶ق) این نکته را به طور آشکار تصریح نموده و می‌نویسد:

«ويجب في الأنعام: الابل و البقر و الغنم و في الحجرين: الذهب و الفضة و في الغلّة الاربع: الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و لا يجب في غير ذلك و هو مذهب علمائنا عدا ابن الجنيد و به قال: الحسن و ابن سيرين و الحسن بن صالح ابن حي و ابن ابی لیلا واحد الروایتين عن احمد» (معتبر، ۲، ۴۹۳).

ابن قدامه (۶۲۰ق) از قول عمر و بن شعیب روایتی را از پیامبر اعظم (ص) نقل می‌کند که در مفاد آن حکایت از انحصار زکات در موارد نه گانه دارد و مشعر به این است که این قدامه نیز مانند اقلیت اهل سنت وجوب زکات در موارد مشخص و انحصاری را قبول دارد (معنی، ۲، ۵۵۰).

همان‌طور که بیان شد اکثر فقهای اهل سنت قائل به گستردگی وجوب زکات اموال هستند؛ هر چند خود اینها در موارد وجوب باهم اختلاف نظر دارند. با این حال انحصار وجوب در موارد تسعه را برخلاف اقلیت یاد شده قبول ندارند و بر این باورند که غیر از موارد مشهورنه گانه، سایر محصولات و روئیدنی‌های زمینی نیز مشمول وجوب زکات هستند حال فی‌الجمله دیدگاههای این دسته از فقهاء را مورد تحقیق و دقت نظر قرار می‌دهیم:

ابو حنیفه می‌گوید:

«تجب الزکاة فی کل ما یقصد بزراعتہ نماء الارض إلا الحطب و القصب و الحشیش لقوله (۲)؛ فیما سقت السماء؟ العشر و هذا عام و لان هذا یقصد بزراعتہ نما الارض فاشبهه الحب» (همان، ۵۵۱).

از مضمون سخن یاد شده استفاده می‌شود که حنیفه تنها در چیزهایی که بتوان خشک کرده و ذخیره‌سازی نمود مثل گندم، جو، ذرت و برنج و امثال آن زکات را واجب می‌دانند و در خصوص مواردی مانند انار، سیب، گردو و مانند آن را واجب نمی‌دانند. شافعی هم مواردی مانند زعفران و ورس را مشمول وجوب زکات ندانسته و می‌



نویسد:

«قال الشافعی لیس فی الزعفران و لا الورس صدقة لان كثيرا من الاموال لا صدقة فيها و انما اخذنا الصدقة خبرا و بما فی معنی الخبر و الزعفران و الورس طیب لاقوت و لازکاة فی واحد منهما و الله تعالی اعلم کما لایکون فی عنبر و لامسک و لا غیره من طیب زکاة».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایشان در هر چه که از باب مواد خوشبو و بوئیدنی است، زکات را واجب نمی‌داند. او زکات را در خصوص غسل و اسب واجب نمی‌داند (همان، ۴۲، خلاف ۲، ۶۴). مالکیه در اکثر محصولات زمینی، زکات را واجب می‌دانند؛ در عین حال این موارد به میزان مشخصی نرسد، وجوب زکات را فی‌الجمله منتفی می‌دانند. (الموطأ، ۱، ۲۷۶) انس بن مالک در اثر فقهی خود که از منابع معتبر و اصلی مالکیه در فقه است، بایی دارد تحت عنوان «ما لازکاة فیه من الثمار» و مواردی را در آن می‌آورد که وجوب زکات در آنها را باور ندارد (همان، ۲۷۴).

تفصیل اقوال مختلف علمای اهل سنت را شیخ طوسی (۴۶۰ق) به صورت کامل آورده است (خلاف، همان، ۷۶). بنابر این نگاهی هرچند گذرا به منابع فقهی اهل سنت که نمونه‌هایی از این نظرات در عبارات یاد شده آمده است، نشان می‌دهد که فقهای اهل سنت در خصوص موارد وجوب زکات در اموال دو دسته‌اند:

- ۱- مشهور فقها قائل به گستردگی وجوب زکات می‌باشند و علاوه بر موارد نه گانه و معروف در تعداد دیگری از موارد و اشیا به وجوب زکات اعتقاد دارند.
- ۲- برخی از علما و فقهای اهل سنت به انحصار وجوب زکات در موارد نه گانه معتقدند و همانند مشهور فقهای شیعه می‌اندیشند.

موارد استحباب زکات در اموال

همان‌طور که گفته شد مشهور فقهای شیعه و گروهی از فقهای اهل سنت بر این باورند که زکات تنها در نه مورد مربوط به غلات اربعه، انعام ثلاثه و نقدین واجب است. حال با عنایت به این که غیر از موارد یاد شده در متون فقهی به عنوان موارد متعلقه زکات قرار می‌گیرند این قبیل موارد از منظر مشهور فقهای شیعه به دو صورت مورد قضاوت قرار گرفته و توجیه می‌شوند:

- ۱- به عنوان مواردی که حکم استحباب را دارند و از مصادیق مستحب زکات اموال

تلقی شده‌اند اکثر فقهای شیعه چنین باوری دارند و آن دسته از فقهای اهل سنت که در بحث موارد وجوب زکات اموال بافقهای شیعه هم عقیده‌اند، در این جا همه این موارد را مستحب می‌دانند و بحث صورت دوم در مورد آنان منتفی است.

۲- مواردی که فی الجمله از باب تقیه می‌باشند و معصومین^(ع) ناچار بوده‌اند از باب موافقت ظاهری با جو حاکم و حفظ جان شیعیان به ظاهر با نظر اهل سنت هماهنگ باشند به همین خاطر ظاهر سخن معصوم^(ع) با فتاوی اصلی و مشهور فقهای شیعه در تناقض است. فلذا برخلاف توجیه صورت نخست که حمل بر استحباب می‌نمایند گروهی از فقها این موارد را حمل بر تقیه نموده‌اند؛ زیرا بر این باورند که حکم استحبابی همانند حکم وجوبی دلیل می‌خواهد.

حال جهت بررسی دقیق موارد مورد نظر لازم است آراء و نظرات فقهاء را مورد بررسی و امعان نظر قرار دهیم.

شیخ مفید (ق.۴۱۳) سایر حبوبات و محصولات زمینی را تحت شرایطی مشمول زکات مستحب مؤکد دانسته و می‌نویسد: «تزکی سایر الحبوب مما انبتت الارض فدخل التقیذ و المکیان بالعشر و نصف العشر کالحنطة و الشعیر سنة موكدة دون فريضة واجبة (مقنعه ۲۴۴).

و به دنبال آن روایاتی که حکایت از استحباب در حبوبات پیمان‌های و کیلی دارد را از منابع روایی ذکر می‌نماید. در خصوص سبزیجات و خیار و بادنجان و امثال آن که استعداد بقاء را ندارند از باب اجماع زکات را مطلقاً نسبت به آنها منتفی می‌داند (همان، ۲۴۵). علاوه بر حبوبات یاد شده در اسب‌های ماده سائمه نیز زکات را مستحب دانسته و دلیل آن را روایتی می‌داند که حاکی از آنست. علی^(ع) بر هر اسب اصیل (عتیق) سالانه دو دینار و بر سایر اسبان از نوع غیر اصیل، یک دینار زکات معین کرد و همچنین روایتی که زراره از امام صادق^(ع) به تفصیل نقل می‌نماید (همان، ۲۴۶).

مشارالیه سرمایه تجارت را از جمله موارد زکات مستحب در اموال می‌داند (همان، ۲۴۸) سید مرتضی (ق.۴۳۶) در ابطال سخن ابی حنیفه و امثال او که زکات را در سرمایه تجارت واجب می‌دانند، با ادله‌ای نظیر اجماع و اصل، حکم وجوب را نسبت به آن منتفی می‌داند، اما در خصوص حکم استحبابی نفیا و اثباتاً نظری نمی‌دهد. (ناصریات، ۲۷۶).

و همین رفتار را با ایشان در خصوص غسل دارد و می‌گوید در غسل نه زکات است و نه خمس، عبارت نامبرده که حاکی از استدلال ایشان در رد حکم زکات بر غسل است، به



شرح ذیل می‌باشد: «دلینا بعد الاجماع المتقدم ذكره: ماروی ان النبی^(ص) لما بعث معاذاً الى اليمن قال له: لا تاخذ العشر الا من اربعة: من الحنطة و الشعير و الكرم و النخل». و همچنین می‌افزاید: «وایضا فان الاصل الا حق فی الاموال، فمن اثبت حقا فی العسل اما خمسا او غيره فعليه اقامة الدليل و لا دليل» (همان، ۲۸۰).

خلاصه ایشان به دو دلیل یاد شده و روایت منقول از پیامبر^(ص)، حکم وجوب زکات نسبت به عسل را منتفی می‌داند، اما سخنی از استحباب ندارد. به نظر می‌رسد ظاهر استدلال سید، حاکی از آن است که هم در سرمایه تجارت و هم در عسل، حکم استحبابی زکات را نیز قبول ندارد.

در ادامه بر همان، منوال، بحث را در خصوص سایر محصولات غیر از غلات اربعه مورد بررسی قرار می‌دهد و حکم وجوبی را نسبت به آنها مطلقاً منکر می‌شود و در خصوص حکم استحبابی ساکت است و ظاهر سخن نشان دهنده عدم قبول حکم استحبابی از ناحیه مشارالیه است (همان، ۲۸۴).

ابوالصلاح حلبی (ق. ۴۴۷) در سرمایه تجارت با تحقق شرایط زکات را مستحب می‌داند. (کافی...، ۱۶۵) و در محصولات زمینی از نوع حبوبات غیر از غلات اربعه نیز زکات را مستحب دانسته و می‌نویسد: «و من مسنون صدقة الحرث ان یزکی کل ما دخل المکیال من الحبوب اذا بلغ کل جنس منها خمسة اوسق بالعشر او نصف العشر، فان نقص عن ذلك تصدق بما تیسر» (همان، ۱۶۶).

نامبرده حتی در سهمی از کرک، پشم و موی دامها و در شیر آنها زکات را مستحب می‌داند (همان، ۱۶۸) و در خصوص اسبان ماده سائمه زکات را مستحب مؤکد می‌شمارد (همان).

سلار بن عبدالعزیز (ق. ۴۴۸) باب جداگانه‌ای را به عنوان قسم دوم بحث زکات به مباحث زکات مستحب اختصاص داده و تمامی زکات مستحبی را به دو قسم مطلب و معین تقسیم می‌کند؛ منظور از اولی را هر نوع صدقه‌ای می‌داند که قصد قربت لازم دارد و منظور از دومی را چهارچیز می‌داند که عبارتند از: ۱- اسبان، ۲- حبوبات، ۳- سرمایه تجارت، ۴- فطره (درمورد کسی که شرایط وجوب فطره در او محقق نیست).

وی در ادامه احکام و شرایط هر کدام از عناوین یادشده را به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهد (المراسم...، ۱۳۷).



شیخ طوسی (ق. ۴۶۰) در موارد زیر زکات را مستحب می‌داند:

- ۱- طلا و نقره‌ای که غیر مسکوک بوده و جهت زینت به کار می‌رود و صاحب آن به قصد فرار از زکات، کاری کرده که شرایط وجوب زکات را از دست داده است.
- ۲- سرمایه‌ای که به وسیله قرض گرفتن در تجارت و امثال آن به کار می‌رود.
- ۳- هر آنچه که انسان غیر از موارد نه گانه زکات واجب را مالک می‌شود.
- ۴- اموالی که به عنوان سرمایه تجارت در دست تاجر می‌باشد.
- ۵- اسبان ماده سائمه (نهایه، ۱۷۷).

ابن زهره (ق. ۵۸۵) در موارد زیر قائل به استحباب زکات است:

- ۱- مال تجارتي (اموال التجاره).
 - ۲- اموال غایبی که دارنده آن توان تصرف در آن را ندارد؛ هنگام دسترسی به آن و توانایی برتصرف در آن وقتی که حداقل یک سال از آن گذشته باشد.
 - ۳- در تمامی محصولات روئیدنی که با کیل یا وزن مورد سنجش قرار می‌گیرند باستثنای سبزیجات و امثال آن که در عبارات فقهای شیعه فراوان آمده است.
 - ۴- در اسبان ماده بیابان چر با تحقق شرایط لازم (غنیة النزوع، ۱۲۸).
- محقق حلی (ق. ۶۷۶) هر چند به طور مرتب مورد استحبابی زکات را همانند خیلی از فقها نیآورده است، اما در ضمن مباحث ایشان می‌توان به موارد یاد شده دست یافت. ایشان در مورد زیر زکات را مستحب می‌داند:
- ۱- اموال طفل و مجنون هنگامی که ولی شرعی آنها این اموال را در تجارت به کار می‌برند.

۲- غلات و انعام مربوط به طفل.

۳- اموال صامت یعنی طلا و نقره مربوط به مجنون هنگامی که ولی شرعی وی آنها را در تجارت به کار می‌برد.

۴- اموال مفقودی که بعد از گذشت چند سال بدست انسان می‌رسد.

۵- حبوبات غیر از غلات اربعه باستثنای محصولاتی که در خانواده سبزیجات قرار می‌گیرند.

۶- اموال تجارت

۷- اسبان ماده سائمه (شرايع الاسلام جلد ۱، ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷).

یحیی بن سعید حلی (ق. ۶۸۹) در بحث زکات باب مستقلی دارد تحت عنوان «باب



مایستحب فيه الزكاة و ما لا يستحب» و در آن به تمامی موارد مستحب زکات در مقابل زکات اموال واجب اشاره می‌نماید؛ فی الجمله به شرح ذیل می‌توان موارد مربوطه را در عبارات ایشان ذکر نمود:

- ۱- سرمایه تجارت.
 - ۲- اموال غایبی که صاحب آن توان تصرف در آن را ندارد و بعد از حداقل یک سال بدست او می‌رسد.
 - ۳- طلا و نقره‌ای که مسکوک نبوده و شرایط وجوب زکات در آنها منتفی است یا در زینت زنان به کار می‌رود و تمام زینت‌های خاص مردان و زنان که برای طرف مقابل، پوشیدن آن حرام است (زینت خاص مرد و زینت خاص زن).
 - ۴- اموالی که صاحب آن برای فرار از زکات در آن تصرف نموده است.
 - ۵- اموال مربوط به بدهکاری که توانایی پرداخت بدهی اش را دارد.
 - ۶- اسبان ماده سائمه با گذشت یک سال.
 - ۷- محصولات و حبوبات غیر از موارد نه گانه زکات واجب، به استثنای سبزیجات و مانند آن.
- اموال صامت مثل طلا و نقره‌ای که متعلق به مجنون است، هنگامی که در تجارت بکار می‌رود. (الجامع للشرایع، ۱۳۴).
- علی بن محمد قمی از فقهای قرن هفتم موارد زکات استحبابی را تحت عنوان «مسئون من الزكاة» مطرح می‌نماید و موارد زیر را می‌توان از عبارات ایشان اقتباس نمود:
- ۱- اموال التجاره.
 - ۲- تمامی محصولات روئیدنی از زمین که با کیل یا وزن مورد سنجش قرار می‌گیرند مثل نخود، عدس و...
 - ۳- طلا و نقره‌ای که به عنوان زینت استفاده می‌شود، به شرطی که صاحب آن به قصد فرار از زکات واجب در آنها تصرف نکرده باشد.
 - ۴- اموال غایبی که در دست صاحبش نبوده و یا این که توان تصرف در آن را نداشته بعد از گذشت حداقل یک سال توانایی تصرف در آن را پیدا می‌کند.
 - ۵- طلا و نقره‌ای که به عنوان اموال صامت می‌باشند و مربوط به مجنون است مشروط بر این که ولی شرعی با آن تجارت نماید.



۶- اسبان ماده سائمه با تحقق سایر شرایط مانند شرایط وجوب در انعام به استثنای اعتبار نصاب.

۷- شخصی که نصاب اخراج زکات فطره را ندارد.

وی در پایان می‌نویسد: «دلیل ذلك كله اجماع الامامية و فيه الحجة» (جامع الخلاف و الوفاق، ۱۴۹).

علامه (ق. ۷۲۶) در قواعد به طور مرتب تمامی موارد استجابی مربوط به زکات اموال را به شرح ذیل بیان نموده است:

۱- سرمایه تجارت.

۲- حبوبات و غلات و محصولات روئیدی زمین به استثنای موارد غلات اربعه مربوط به واجب و سبزیجات استثنا شده در نزد فقها.

۳- اسبان ماده با تحقق سایر شرایط مثل سائمه بودن و گذشت یک سال.

۴- کلیه اموالی که به قصد افزایش و سوددهی در دست صاحب مال قرار می‌گیرد، در سود حاصله زکات می‌باشد.

او بعد از ذکر موارد یاد شده می‌نویسد: «ولا يستحب فی شیء غیر ذلك» (قواعد الاحکام، ۱، ۳۴۶).

ایشان در تبصره هم به صورت روشن موارد مستحبی را ذکر می‌نمایند و در عبارت ایشان می‌خوانیم:

«فيما يستحب فيه الزكاة: يستحب الزكاة في مال التجارة بشرط: الحول وان

يطلب براس المال او بزيادة في الحول كله و بلوغ قيمته النصاب و يقيم

بالتقدين و يستحب في الخيل بشرط: الحول و السوم و الاثوثة فيخرج الارض عن

العتيق ديناران و عن البرذون دينار واحد و يستحب فيما تخرج الارض عدی

الاجناس الاربعة من الحبوب بشرط حصول شرایط الوجوب فی الغلات و

يخرج كما يخرج منها» (تبصرة المتعلمين، ۷۱).

در عبارات یاد شده تمامی موارد استجابی از منظر ایشان ضمن بیان احکام و شرایط ذکر است.

شهید اول (ق. ۷۸۶) هم می‌نویسد: «وتستحب فيما تنبت الارض من المكيل و

الموزون و فی مال التجارة و أوجبها ابن بابويه فيه و فی انات الخيل السائمه



دیناران عن العتیق و دینار عن غیره و لاتستحب فی الرقیق و البغال و الحمیر» (لمعه، ۴۱).

در عبارت ایشان به سه دسته زکات مستحبی در اموال تصریح شده است

۱- محصولات زمینی کیلی و کشیدنی.

۲- مال التجاره.

۳- اسبان ماده بیابان چر.

محقق کرکی (۹۴۰ق) تمامی موارد استحبایی در زکات اموال را در ذیل دو مطلب کلی

به ترتیب ذیل می آورد:

۱- اموال تجارت

۲- باقی انواع شامل تمامی غلات غیر از غلات اربعه واجب الزکاة، اسبان ماده با

تحقق شرایط لازم، در مورد سرمایه‌ای که به منظور افزایش بدست صاحب آن می‌رسد (جامع المقاصد، ج ۳، ۲۸ و ۲۹).

شهید ثانی (۹۶۶ق) در باره موارد مستحبی زکات اموال می‌نویسد: «و تستحب فی کل

ما تنبت الأرض مما یکال أو یوزن عدا الخضر کالقت و البادنجان و الخیار و ما

شاکله و فی مال التجارة قولان: احدهما الوجوب و الاستحباب أصح و فی الخیل

الاناث و تسقط عما عدا ذلك إلا ما سنذکره»

وی در عبارت یاد شده به سه دسته تصریح می‌نماید. (مسالك، ۱، ۳۶۳) و از جمله موارد

استحبایی را طلا و نقره‌ای می‌داند که قبل از رسیدن سال، صاحب آن به قصد فرار از

زکات واجب با تصرفی که می‌نماید، مانع تحقق شرط وجوب می‌شود (همان، ۳۸۹).

و هم چنین اموالی را که مدفون است و محل آن مجهول مانده یا اموالی را که از

رهگذر ارث به شخص می‌رسد؛ اما به دست وارث قرار نمی‌گیرد، بعد از گذشت چند سال

به عقیده مشار الیه مشمول زکات مستحبی است (همان، ۳۸۸).

از جمله موارد استحبایی در عبارت نامبرده، حیوانات و غلاتی مثل ماش، عدس و...

می‌باشد (همان، ۳۹۰) شیخ بهایی (۱۰۳۱ق) هشت مورد را به طور روشن از مصادیق زکات

مستحبی می‌آورد:

۱- اسب مادیان

۲- اموالی که مالک آن کاری کرده است که به واسطه آن کار، زکات در آن واجب

نشود، مثلا از نصاب اول گوسفند چیزی به شخصی ببخشد.

۳- حاصل مستغلات مانند دکان و حمام

۴- اشیائی مثل حبوبات که از زمین می‌روید و با کیل یا وزن کشیده می‌شوند مانند

ماش و عدس و...

۵- اموالی که چند سالی در دست مالک نباشد و بعد از چند سال بدست او بیفتد.

۶- اموالی که مالک شک دارد آیا به حد نصاب رسیده یا خیر؟

۷- مال تجارت

۸- اموال طفل، مشروط بر آن که ولی او با آن تجارت کرده و سایر شرایط محقق

گردد (جامع عباسی، ۱۰۱).

کاشف الغطاء (۱۲۲۸ق) هم مانند بعضی از فقهای سابق موارد استجبایی را در فصل جداگانه می‌آورد و مواردی مانند مال التجاره، اسبان ماده و سایر مواردی که فی‌الجمله در بسیاری از اقوال دیگران آمده ایشان به تفصیل، ضمن بیان احکام و شرایط آن می‌آورند (کشف العطاء، ۲، ۳۵۳).

صاحب ریاض (۱۲۳۱ق) این موارد را در جاهای مختلفی از مبحث زکات می‌آورد و از جمله فقهای است که الحق می‌توان گفت مباحث مربوط به زکات مستحبی را با بهره‌گیری از ادله از جمله روایات، به بهترین وجه آورده است (ریاض المسائل، ۵، ۵۳).

میرزای قمی (۱۲۲۱ق) وقتی موارد وجوب زکات را بیان می‌کند، تمامی موارد استجبایی را در ضمن احکام و شرایط تفصیلی هر کدام ذکر می‌نماید و به ابن جنید و یونس ابن عبد الرحمن نسبت می‌دهد که در سایر حبوبات زکات را واجب می‌دانند (غنائم‌الایام، ۴، ۵۷).

محقق نراقی از جمله فقهای است که با حوصله کم نظیر، بحث موارد زکات استجبایی را در فصل جداگانه‌ای با عنوان «ما يستحب فيه الزكاة» به تفصیل آورده است (مستند الشیعه ۹، ۲۳۳) ایشان در کنار بحث وجوب زکات، موارد استجبایی را در ضمن احکام و شرایط هر کدام انصافا بسیار دقیق آورده است.

مرحوم آیه الله خویی (۱۴۱۳ق) از فقهای معاصر نیز علاوه بر نه مورد زکات واجب در موارد معروف و ضمن بیان چهار مورد در زکات استجبایی، این موارد اربعه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد این که زکات در غیر نه مورد واجب نیست را با عنوان «علی الاصح» تصریح نموده و عبارت یاد شده حاکی از آن است که بعضی‌ها مثل شیخ صدوق و پدرش و ابن جنید قائل به وجوب موارد دیگر هستند (الزكاة، ۱۳۸) او در ادامه، قول به وجوب را در



سایر حیوبات به ابن جنید نسبت می‌دهد: «وقد نقل عن ابن الجنید انه افتى بالجوب استناد اليها لكن المشهور حملوها مضمون على الاستحباب جمعا بينها و بين الطائفة الاولى الحاصرة في التسعة والعافية عما عداها»

مضمون سخن ایشان این که مشهور بخاطر جمع بین دو دسته روایت متقابل، غیر موارد تسعه را حمل بر استحباب نموده‌اند. ایشان به این نوع جمع اشکال نموده و می‌نویسد هرچند این گونه جمع بین دو دسته روایات متعارض در ابواب فقهی شایع است منتها با وضعیت این بحث انطباق ندارد و نمی‌توان در این مورد این گونه جمع نمود (همان، ۱۴۰).

وی می‌نویسد چون در نظر عرف این دو روایت نقیص هم به شمار می‌روند و به گونه‌ای هستند که نمی‌توان یکی از دو روایت را قرینه دیگری قرار داد؛ مثل این که ممکن نیست که دو جمله «فیه الزکاة» و «لیس فیه البزکاة» را با هم جمع نموده و یکی را قرینه دیگری قرار دهیم. او به صاحب حدائق نسبت می‌دهد که ایشان هم استحباب را در موارد یاد شده منکر بوده و روایات یاد شده متناقض را، حمل بر تقیه می‌نماید (همان، ۱۴۱) و می‌نویسد سخن صاحب حدائق درست است منتها یک روایت دیگر داریم که به خاطر مضمون آن، در این موارد قائل به استحباب هستیم و منظور ایشان روایت صحیفه علی بن مهزیار است که در ذیل آن در هر چیزی که کیلی باشد مانند برنج، عدس و... زکات را مقرر می‌نماید «کلما دخل الفقیر فهو یجری مجرى الحنطة و الشعیر و التمر و الزییب...» یا آورده است: «صدقوا الزکاة فی کل شی کیل» (همان، ۱۴۱).

فلذا ایشان به استناد روایت علی بن مهزیار، همگام با مشهور، قائل به استحباب زکات در سایر حیوبات بوده و می‌گوید: «فان تصدیق الامام^(ع) لتلك الروایات المتعارضة المروية عن الصادق^(ع) لیس له وجه صحیح عدا إرادة الاستحباب فیما عدا التسع و إلا فلا یمكن فی مثله الحمل علی التقیه بالضرورة إذ لا معنی للتقیه فی تصدیق الخبرین المتعارضین».

خلاصه این که ایشان می‌گوید راهی جز حمل روایات مقابل مشهور بر استحباب نیست؛ زیرا هنگامی که امام^(ع) هر دو دسته روایت متعارض را تصدیق می‌نماید، نمی‌توان



تقیه را از آن فهمید و حمل بر استحباب هم به کمک روایت مصدق یاد شده استنباط می گردد. عبارت ایشان را ملاحظه کنید:

«وعلى الجملة فالروایات فى انفسها، لولا دليل التصديق، متعارضة غير قابلة للحمل على الاستحباب لعدم كونه من الجمع العرفى فى مثلها الا انه بعد ملاحظة التصديق الصادر من الامام^(ع) الذى تضمنته هذه الصحيحة يحكم بأن المراد الجدى هو الاستحباب و إلا لم يكن وجه للتصديق أبدا فتدبر» (همان، ۱۴۲).

آیه الله خویی از جمله موارد استحبابی را زکات در مال التجاره و اسبان ماده و مستغلاتی که مقصود از تملک آن سود جستن و بهره دهی است می داند. (الاملاک و العقارات التى يراد منها الاستمناء كالبستان و الخان و الدكان و نحوها) (همان، ۱۴۸). امام خمینی^(ع) هم در خصوص حبوبات غیر از موارد تسعه قائل به استحباب زکات بوده و می نویسد: «ولا تجب فيما عدا هذه التسعة وتستحب فى الثمار و غيرها مما انبتت الارض...» و همچنین می گوید: «واستحبا بها فى الحبوب» «لا يخلو من اشكال و كذا فى مال التجارة و الخيل الاناث» (تحریر الوسیله، ۲، ۳۱۵).

مضمون سخن امام^(ع) آن است که در انواع میوهها غیر از سبزیجات، زکات را مستحب دانسته و در خصوص حبوبات یاد شده استحباب زکات را مورد اشکال می داند و بدون این که وارد تفصیل شود به همین مقدار بسنده می نماید. از تمامی مباحث یاد شده در خصوص بحث «موارد استحباب زکات» می توان این گونه نتیجه گرفت که:

- ۱- بیشتر فقهای امامیه در غیر موارد نه گانه، فتوای به استحباب داده اند.
- ۲- برخی مانند آیه الله خویی و دیگران تنها نا سازگاری روایات را برای فتوای به استحباب کافی نمی دانند؛ در این میان می توان از شیخ انصاری و برخی دیگر نام برد گرچه این دسته هم مانند مشهور، فتوای به استحباب داده اند اما در شیوه استدلال مشهور فقها خدشه وارد کرده اند شیخ انصاری می نویسد: «وعليه فلا وجه للاستحباب إلا فتوى الجماعة و ظاهر لفظ العفو فى الاخبار» (کتاب الزکاة، ۱۲۹).



بر این اساس، استحباب را باید از ظاهر برخی روایات و جمله «عفی رسول الله عما سوی ذلک» که در اخبار آمده و فتاوی فقها، استفاده کرد.

۳- برخی مانند صاحب حدائق در مقابل مشهور فقها در سایر حیوانات استحباب زکات را قبول ندارند و روایات مستند مشهور را حمل بر تقیه می‌نمایند.

نتیجه گیری:

از مجموع آنچه که در این مقاله طی چند محور مورد بحث و بررسی قرار گرفت، چند نکته را می‌توان به طور خلاصه مورد تاکید قرار داد:

۱- زکات در اصطلاح شرعی با مفهوم آن در لغت، تناسب کامل دارد. پرداخت زکات باعث می‌شود هم باقیمانده اموال از آلودگی‌های معنوی پاک شود و هم موجب خیر و برکت و فزونی در اموال صاحب مال می‌شود و از رهگذر آن، فقر از بین رفته و میان ثروتمندان و فقرا تعامل و روابط حسنه برقرار می‌گردد.

۲- مشهور فقهای شیعه در نه مورد زکات را واجب می‌دانند و برخی از آنان مانند شیخ صدوق و ابن بابویه (پدرش) در مال التجاره نیز زکات را واجب می‌دانند و ابن جنید در سایر حیوانات غیر از موارد اتفاقی در غلات اربعه را هم واجب می‌داند و از برخی علمای معاصر قائل به گسترش وجوب زکات هستند و استناد به روایاتی نظیر سخن امام کاظم^(ع) می‌کنند که می‌فرماید: «اگر موارد زکات نیاز نیازمندان را بر نیآورد، بر حاکم است که از نزد خودش نیاز فقیران را برآورد تا بی‌نیاز گردند (وسائل، ۶، ۳).

این دسته قائل بر این هستند که فلسفه تشریح زکات دگرگون شدن نیازها است با توجه به این که در روزگار ما شرایط وجوب موارد نه گانه معروف کمتر محقق می‌شود، حاکم اسلامی می‌تواند آنها را در هر زمان مشخص نموده و یا گسترش دهد.

به نظر می‌رسد این دسته از باب تنقیح مناط، زکات را در هر زمان تابع و دایر مدار وجود فقر می‌دانند و دست حکومت اسلامی را در تعیین موارد مورد نظر باز می‌دانند. از سید صدر و علامه جعفری می‌توان به عنوان کسانی نام برد که در زمان معاصر قائل به گسترش موارد وجوب زکات هستند.

۳- دسته بندی فقهای اهل سنت در موارد وجوب زکات، برعکس فقهای شیعه است. اکثریت آنان قائل به وجوب زکات در موارد نه گانه و در تمامی مواردی هستند که مشهور شیعه آن را مستحب می‌داند.

۴- فقهای شیعه در زکات استحبابی سه دسته‌اند: مشهور فقها در موارد متعددی که قائل به استحباب زکات هستند، تنها بعضی از ایشان مانند صاحب حدائق، استحباب را آن هم در حیوانات مورد اشکال می‌دانند.

منابع

- قرآن کریم

- ابن ادریس حلی، السرائر، ۳ مجلد، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- ابن قدامه، عبدالله، مغنی، ۱۲ مجلد، بیروت: دارالکتب العربی، با تحقیق جماعتی از علما، بی تا
- اردبیلی (محقق)، مجمع الفائدة والبرهان، ۱۴ جلد، با تحقیق اشتهاردی، عراقی و یزدی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
- اشتهاردی، علی پناه، مجموعه فتاوی: ابن جنید، مجد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- انصاری، شیخ، الزکاة (جزء ۱۰)، لجنة التحقيق، چاپ اول، قم، باقری، ۱۴۱۵ق.
- علامه حلی، تذکره الفقهاء، دو جلد، مکتبه الرضویه، لاحیاء آثار الجعفریه، مؤسسه شیخ عبدالکریم تبریزی، سوق بین الحرمین، پاساژ مهتاش، بی تا
- جعفری، علامه محمد تقی، منابع فقه، بی جا: بی نا، بی تا.
- حلی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، با تحقیق رضا استادی، اصفهان: مکتب امیرالمؤمنین، ۱۴۰۳ق.
- حلی، ابن زهره، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، چاپخانه اعتماد، با تحقیق شیخ ابراهیم هادوی زیر نظر آیه الله سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۱۷ق.
- خاقانی، دیوان خاقانی، با کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی، بی جا: انتشارات زوار، بی تا
- خمینی، روح الله الموسوی، تحریر الوسیله، دو مجلد، چاپ اسماعیلیان، قم: دارالکتب الاسلامیه، بی تا
- خوئی، سید ابوالقاسم، الزکاة الاول، ، لطفی، چاپ اول، قم: چاپخانه علمیه، ۱۴۱۳ق.
- خوانساری، جامع المدارک، ۷ مجلد، با تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۵۵ق.
- روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق(ع)، ۲۶ مجلد، چاپ علمیه، چاپ سوم، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
- سبزواری (محقق)، کفایه الاحکام، چاپ مهر قم، سنگی، اصفهان: مدرسه صدرمهدوی، بی تا
- سعدی، کلیات سعدی، گلستان، باب دوم، بامقدمه عباس آشتیانی، تهران: دنیای کتاب، بی تا
- سلار، ابن عبدالعزیز، المراسم العلویة فی الاحکام النبویة، مجمع العالمی اهل بیت(ع)، بی جا: امیر،





۱۴۱۴ ق.

- سید مرتضی، ناصریات، قم، الہادی، ۱۴۱۷ ق.
- شافعی، الام، ۸ مجلد، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰ هجری
- شهید اول، البیان، قم، مجمع الذخائر الاسلامیہ، چاپ سنگی، چاپخانہ مہر، طبع قدیم، بی تا
- _____ الدروس الشرعیة، ۳ مجلد، قم، مؤسسہ نشر اسلامی، جامعہ مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- _____ لمعة دمشقیہ، با تحقیق شیخ علی کورانی، دارالفکر، چاپخانہ قدس، ۱۴۱۱ قمری
- شهید ثانی، مسالک الافہام، ۱۵ مجلد، قم، مؤسسہ معارف اسلامی، چاپخانہ بہمن، ۱۴۱۳ قمری
- _____ الروضة البہیة (شرح لمعة)، با تحقیق و حاشیہ مرحوم کلانتر، دہ مجلد، قم، داوری، چاپ اول، چاپخانہ امیر، ۱۴۱ ہجری
- شیخ بہایی (شیخ بہاء الدین عاملی)، جامع عباسی، تہران، مؤسسہ انتشارات فراہانی، بی تا
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویہ قمی، المقنع، قم، مؤسسہ امام صادق (ع)، ۱۴۱۵ ق.
- شیخ طوسی، النہایة فی المجرّد الفقہ و الفتاوی، بیروت، داراندلس، افسست منشورات قدس قم، بی تا
- شیخ طوسی، الخلاف، ۶ مجلد، قم، مؤسسہ نشر اسلامی، با تحقیق سید علی خراسانی، سید جواد شہرستانی و شیخ محمد مہدی نجف، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- شیخ طوسی، مبسوط فی فقہ الامامیہ، ۸ مجلد، با تحقیق محمد تقی کشفی، تہران، مکتبہ مرتضویہ، ۱۳۷۸ ق.
- شیخ مفید، المقنعة، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۱۰ ق.
- صدر، شہید آیة اللہ، مجموعہ آثار، شہید صدر، مقالہ تصویری از اقتصاد اسلامی
- طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، دو مجلد، قم، مؤسسہ آل البیت، چاپ شہید، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، طبع جدید، ۵ مجلد، قم، مؤسسہ نشر اسلامی، ۱۴۲۰ شمسی
- طوسی، ابن حمزہ، الوسيلة الى نیل الفضیلة، قم، خیام، ۱۴۰۸ ق
- عاملی شیخ حر، وسایل الشیعہ، با تحقیق عبد الرحیم ربانی شیرازی، ۲۰ مجلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- علامہ حلّی، تبصرة المتعلمین، با تحقیق حسینی و یوسفی، انتشارات فقیہ، چاپ احمدی، ۱۳۶۸ ش.
- علامہ حلّی، قواعد الاحکام، سہ مجلد، قم، مؤسسہ نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- علامہ حلّی، مختلف الشیعہ، قم، جامعہ مدرسین، ۹ مجلد، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.



- علی بن محمد القمی السبزواری، جامع الخلاف و الوفاق، با تحقیق شیخ حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، چاپخانه با صدر الاسلام
- فخر المحققین ابن العلامه، ایضاح الفوائد، با تحقیق کرمانی، اشتهاردی و بروجردی، ۴ مجلد، ناشر به امر آیه الله شاهرودی با هزینه حاج محمد کوشانیپور، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن، التحفة السنیة با شرح جزایری، نسخه خطی (میکروفیلم، کتابخانه آستانه بخط عبدالله نورالدین بن نعمت الله)، بی تا
- قاضی ابن براج، المهدب، دو مجلد، با تحقیق آیه الله سبحانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ ق.
- مالک بن انس، الموطأ، دو مجلد، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، با تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بی تا
- مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا
- محقق حلی، المعتبر فی شرح المختصر، مؤسسه سید الشهداء چاپخانه مدرسه امیرالمؤمنین با تحقیق لجنة التحقیق با نظارت آیه الله مکارم شیرازی، ۱۳۶۴ شمسی
- محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ مجلد، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال، چاپخانه امیر قم، ۱۴۰۹ قمری
- مشکینی، مصطلحات الفقه، قم، الهادی، ۱۳۷۷ شمسی
- میرزا ابوالقاسم قمی، غنایم الايام فی مسائل الحلال و الحرام، مکتبه اعلام الاسلامی، با تحقیق عباس تبریزیان، ۵ مجلد، ۱۴۱۷ ق.
- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ۴۳ مجلد، با تحقیق شیخ عباس قوچانی، دارالکتب الاسلامیه، آخوندی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ شمسی
- نراقی، محقق، مستند الشیعه، طبع جدید، ۱۹ مجلد، مشهد، مؤسسه آل البيت، چاپخانه ستاره قم، ۱۴۱۶ ق.
- کاشف العطاء، شیخ جعفر، کشف العطاء، دو مجلد، اصفهان، مهدوی، چاپ سنگی، بی تا
- کرکی (محقق)، جامع المقاصد، ۱۳ مجلد، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ مهدیه، ۱۴۰۸ ق.
- یحیی بن سعید حلی، الجامع للشرایع، مؤسسه سید الشهداء، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۵ ق.